

دکتر احسان الله مؤید

پژوهشی در ویژگیهای شهرهای اسلامی

ایده پیدایش «باغ شهرها» و رابطه شهرسازی و دین

مقدمه :

در قرن هفتم میلادی که دیانت اسلام از سرزمین عربستان به ظهور پیوست و در اندک زمانی با آئین خود قسمت اعظم دنیای وقت را در بر گرفت .
وسعت این امپراطوری از خاور تا شبه جزیره هند و از باختر تا شمال آفریقا و شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال امروز) را در بر می گرفت . (۱)
آنچه که به شهرهای جدید این امپراطوری عظیم حالتی هم رنگ و چهره‌ای مشابه میداد در درجه اول قرآن کریم بود که در سر تا سر آن خطه به زبان عربی قرائت و تکلم می شد . و در پاسخگویی به جمیع مسائل زندگی از جمله چگونگی بنیان‌گذاری شهرهای اسلامی قاطمیت داشت ، (۲) تا به نحویکه این اشتراك در سر تا سر سرزمین های اسلامی باعث گردید بر روی اختلافات نژادی و سفن باستانی پلی افراشته و از فراز آن نه تنها علائق معنوی بلکه آداب و رسوم کشورهای گوناگون (که بی شك شهرسازی و شهرنشینی نیز از آن متأثر می گردید) به نحو حیرت انگیزی در روندی مشخص هدایت نماید. (۳)
دیگر رابطه‌ای که شهرهای نو بنیاد اسلامی را چهره‌ای مشخص و حالتی مشترك میداد طبیعت و آب و هوای بالنسبه یکسان کشورهای متمدن این سرزمین بود که تماماً از مالکی کویری با دشتهای وسیع ، کوههای بالنسبه کم ارتفاع با آب و هوایی خشک و باران کم تشکیل می گردید و نقطه متضادی بود بر شهرهای مختلف و چند چهره اروپائی .

مختصری در باب شهرها :

در حدود سال هزار میلادی ، در ممالک اسلامی صد ها شهر متوسط و کوچک وجود داشت علاوه بر این حدود ۱۵ تا ۱۷ پایتخت مقدس و مذهبی در اسلام بود که آنها را اعمار (جمع مصر) مینامیدند و بعضی از آنها جنبه شهر جهانی داشت (۴) یعنی در آن دسته‌هایی از عموم ملل

۱ - در قرن پانزدهم جایگاهی مختصری در این امپراطوری بوقوع پیوست بدینمعنی که شبه جزیره ایبری از آن منزع و در عوض کشور عثمانی (بقایای ییزانس در آسیای صغیر) بدان افزوده گردید .

۲ - جرجی زیدان - تاریخ تمدن اسلام ترجمه و نگارش : علی جواهر کلام .

۳ - پروفیسور ارنست کونگ - هنر اسلامی ترجمه : هوشنگ طاهری

۴ - پروفیسور مظاهری - علی : زندگی مسلمانان در قرون وسطی نشریه آکادمی علوم

فرانسه ترجمه : مرتضی راوندی

عالم سکنا داشتند و در بازارهای آنجا کالاهائی از عموم کشورهای جهان به چشم میخورد. در حقیقت این امصار مرکز فرهنگی و هنری جداگانه از خود دارا بودند سمرقند، بخارا، نیشابور ری، شراز، بصره، بغداد، دمشق، فسطاط (قاهره قدیم)، اسکندریه، قیروان و قرطبه از این جمله بودند.

مقدسی از جغرافیدانان ارزشمند قرن دهم میلادی (حدود ۹۴۶ تا ۹۸۸ میلادی) از هفده مادر شهر (متروپولیتن) (۱) بنام «امصار» هفتاد و هفت پایتخت ایالتی که کهندز (قهندز) داشته اند بنام قصبات، تعداد زیادی شهرهای ایالتی بنام مدائن یامدن، مناطق روستائی بنام نواحی و دهات یا قراء سخن میگوید. (۲)

بعقیده مقدسی تقسیم بندی این شهرها بدین گونه است که «مصر» به مثابه پادشاهان، «قصبه» همچون پاسداران «مدینه» به مثابه سر بازان و «قریه» همچون پیادگان است. تمامی این شهرها و بلاد دارای چند قسمت مشخص بود: قسمت قدیمی شهر یا «ارک» که محل اقامت سلاطین و هیأت حاکمه وقت بود بنام کهندز (قهندز) خوانده میشد. قسمتی از شهر که اکثریت مردم در آن سکونت داشتند به نام شارستان یا شهرستان معروف بود و قسمت پرجمعیت شهر را که محل بازارها و عمارات نو بنیاد بود به زبان تازی ربض می-گفتند. (۳)

یکی مسجد جامع و دیگر بازار. مرکز جامع در اوایل دوره اسلامی مرکز منهبی اجتماعی و سیاسی شهر بشمار میرفت. (۴) این بنا در واقع مرکز و قلب هر شهر بود که غالباً در جوار یا تقاطع شاهر گهای اصلی احداث میگردد. علاوه بر اجتماع مومنان برای نماز-گزارى، از فضای مسجد بعنوان مرکز اجتماعات سیاسی مراسم دادخواهی، ابلاغ فرمانها، خواندن خطبه بنام فرمانروا همراه با کارکرد فکری و علمی استفاده میگردد و مدارس عالی نیز در این بنا جای داده می شد. (۵) علاوه بر آن برای مسافران و زائران نیز در واقع کمبود جا و میهمانخانهها، مسجد جامع محل پذیرائی و نگاهداری بود. بدینگونه میتوان گفت که مسجد عملکرد میدان هر شهر را در بر میگرفت و بدینجهت نیز در شهرهای قرون وسطائی اسلام کمتر از میدان سراغی می یابیم.

نقل قولی از سیاح مشهور ابن جبیر که در قرن دوازدهم میلادی از يك روز عصر مسجد

۱ - Metropolitan

۲ - مقدسی: احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم لیدن ۱۹۰۶ صفحه ۴۷ به بعد
 ۳ - پروفیسور مظاهری علی: زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه: مرتضی راوندی شهرهائی که در دوران امپراطوری اسلامی بدست فرمانروایان اسلامی بنیان گذارده شد دو پایه اصلی داشت.

۴ - اشرف، احمد تحقیق در مسائل ایران در نامه علوم اجتماعی دوره ۱ شماره ۴ تیسر

۱۳۵۳ صفحه ۱۸ و ۱۹

۵ - البته تنها مسجد حلقه درس نبوده در بیمارستانها، خانقاهها، رباطها، و منازل نیز حلقه درس تشکیل می یافت.

دمشق نگاشته است گواهی است بر گفته‌های پیش که مبنی‌گارد :

« اینجا سولی است از آمد و رفت ، این محل جایگاه تفریح و زدودن غمها است. هر عصر جماعت را می‌بینیم که اوقات خود را در اینجا گذرانده و از شرق به غرب از دروازه به دروازه مسجد در حرکتند . بعضی به گپ زدن با دوستان و عده‌ای به خواندن مشغول . آمد و رفت ایشان تا آخرین مرحله نماز غروب به طول انجامیده و بعد به تدریج پراکنده می‌گردند . »

حمامها - آشپزخانه‌های عمومی برای نذر و اطعام - مدارس - مسافرخانه‌ها از جمله بناهایی بود که به مسجد ضمیمه می‌گردید و هرچه تعداد آنها بیشتر بود شهرت آن شهر نیز فرونی می‌گرفت . بازار نیز در رابطه مستقیم با مسجد جامع بود که گرداگرد آن قرارداد شد . نخستین بازار در کنار مسجد جامع بازار فروشندگان اشیاء قیمتی یا مذهبی بود که شمع فروشان ، عطاران ، دهر و تسبیح فروشان و امثالهم در آن جای داشتند . بعد به ترتیب کتابفروشان ، سحافان و چرم سازان قرار داشتند و سپس نوبت به پارچه فروشان میرسید که قیصریه نامیده میشد که فعالترین و پراهمیت‌ترین نقطه بازار بود. در تقاطعی که گاهی شاخه وار از بازار اصلی جدا می‌گردید حلبی‌سازان - آهنگران و قفل‌سازان قرارداد شدند . بازار مسکران و جواهر فروشان غالباً به تقاطعی که مراکز اعیان‌نشین و پولدار شهر را در بر می‌گرفت نزدیکتر بود . لازم به تذکر است که یکی از اختلافات بزرگی که شهرهای اسلامی باشهرهای همزمان اروپائی خود داشتند همین وجود بازار بود که در واقع مرکز و شاهرگ اقتصادی و فعالیت هر شهر بشمار میرفت . در اروپا هر صنفی به جای بازار محله مخصوص بخود را داشت که غالباً صنعتگران و حرفه دانان مقیم آن محله کارگاه و منزلشان درهم ادغام شده و بطور کلی از منزل فقط برای سکونت بلکه بمنوان انبار مواد خام کارگاه ، حجره ، فروشگاه و حتی فضای سبز خصوصی (که غالباً حیاط کوچکی بود) استفاده میشد. (۱) و از آنجا که محل کار و سکونت یکی بود ، ترافیک بالنتیجه در شهر به حداقل میرسید و صبح و عصر هر محله با تفاوت کمی در تحرك و فعالیت خلاصه میشد. در شهرهای اسلامی از غروب به بعد بازارها بسته و عبور و مرور ، فعالیت و هجوم مردم و بازاریان متوقف و بازار حالتی مرده و بی‌جان می‌یافت. تحرك و شلوغی موجود در بازار به مساجد و بخصوص مسجد جامع منتقل می‌گردید و در آنجا بود که مردان گرد هم آمده و پس از ادای نماز ساعتها برای ملاقات با دوستان شطرنج باختن ، گپ زدن ، کسب اطلاعات ، یا پراکندن اخبار نو در محوطه‌ی مسجد باقی میماندند . (۲)

در همین مساجد که چاهه سرایان ، نقالان و هنگامه‌گیران مردم را سرگرم میداشتند. بسیاری از مردم ، محل ملاقات و گفتگوهای خود را تعیین میکردند . نامه‌نگاران محل‌های مخصوصی داشتند ، بیکاران از بام تا شام یعنی تاهنگامی که چراغهای مسجد روشن بود به تفرج و تماشا و گفتگو اشتغال داشتند. طبق روش و اصولی که از صدر اسلام معمول بود هیچ پایتختی نمی‌توانست بیش از يك مسجد جامع داشته باشد . نماز جمعه منحصرأ در آنجا گزارده

میشد. ولی بامرور زمان تغییر فاحشی روی داد. زیرا بسیاری شهرها که دارای منبر بودند، ابدأ ترقی نکردند، حال آنکه در شهرهایی که فقط يك منبر داشتند عدد منابر افزایش یافت و بزودی بصورت شهرهای واقعی درآمدند.

جمعیت شهرها

جغرافیدانان ایرانی و عرب که پیشتازان علوم جغرافی قرون وسطی در تمامی جهان بودند گرچه از شهرهای موجود در امپراطوری اسلامی بتفصیل سخن گفته‌اند اما به آمارگیری و ارائه دقیق اعداد و ارقام اشاره زیادی ننمودند. اشاراتی که مثلاً خطیب بغدادی (متوفی در سال ۱۰۷۱ میلادی) درباره شهر بغداد دارد حکایت از ۶۰ هزار حمام موجود در آنجا می‌نماید.

با توجه به اینکه ثروت ندان هم هر کدام حمامی اختصاصی در منزل داشته‌اند می‌توان با این حساب تقریباً يك میلیون و نیم نفر جمعیت را برای این شهر تصور نمود. برای مقایسه: در سال ۱۲۹۲ میلادی در شهر بزرگ پاریس مجموعاً ۲۶ باب حمام عمومی وجود داشت که همه روزه به استثنای اعیاد و روزهای یکشنبه باز بود. (۱) یا طبق روایت دیگری از جغرافیدانان در همین ایام در شهر قرطبه ۱۱۳ هزار خانه مسکونی سه هزار مسجد و نمازخانه وجود داشته است و دلیلی است بر عظمت و پرجمعیتی این شهرهای پسر-رونق آن زمان.

چهره شهرهای نو بنیاد

علاوه بر شهرهای موجود که بدست سپاهیان مسلمانان افتاده و بر رونق آنها افزوده گردیده بعلاوه نیازهای متفاوت شهرهای بسیاری نیز در امپراطوری اسلام و بویژه در ایران از نو پیا گردید.

نیازمندیهای بسیاری که می‌توان برای وجود این شهرها بشرح زیر توجیه نمود:

- ۱ - ایجاد یا توسعه پادگانها و قرارگاههای نظامی برای دفاع از شهرها.
 - ۲ - جدائی مسلمانان از غیرمسلمان و کفار بصورت ایجاد محله و دیوار کشی بدور مناطق مسکونی و نتیجتاً پیدایش شهر در شهر.
 - ۳ - توسعه تجارت و اقتصاد دنیای اسلام با سایر ممالک و نتیجتاً پیدایش پایگاهها و کاروانسراها که بتدریج گسترش یافته توسعه زیادی را در بر گرفت.
 - ۴ - بنا و ایجاد قصور و قلاع برای سرداران و بزرگان که به تدریج کارگران و خدمت-گزاران را نیز بدور خود کشیده تشکیل شهرک و شهرها را داد.
- مدلی که برای شهرهای نظامی و پادگانها بکار گرفته می‌شد غالباً اثرات ساسانی یونانی یا رومی داشت.
- در مورد سایر شهرها که پدیدار گردیدند چهره مشخصی از شهرهای موجود ایرانی یا شهرهای منجمی که توسعه و پا گرفته بود میتوان تشخیص داد. (۲)

۱ - میرانی صدرالدین زندگی و تمدن در قرون وسطی.

۲ - Eglı Ernst / Geschichte des Stadtebanes

ایده‌های در شهرها (۱)

صحبت از شهرهای نو بنیاد داشتیم گرچه این شهرها در اثر نیاز بوجود آمد و در اوائل اسلام هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌گردید اما در قرآن کریم نمی‌توان دقیقاً در مورد پیدایش یا چگونگی شهرها دستور دقیقی یافت. بمقتیده پروفیسور ارنست انگلی (۲) مورخ مشهور شهرسازی علت را شاید در آن دانست که دشمنان اسلام و کفار خود را در شهرها پناه داده و لشکریان مسلمان را در پناه حصار، دیوارها و حفاظهای شهری مدتها معطل نگاه میداشتند.

برای مثال: در سوره احقاف ۲۷ می‌خوانیم: (۳)

ولقد اهلکننا ما حولکم من القرى و سرفنا الايات لعلکم یرجعون ...

یعنی: بزمتم سوگند شهرهایی که گرد شما بود نابود کردیم و آیه‌ها مکرر کردیم ... تا ایشان از کفر برگردند ...

در سوره محمد میفرماید:

وکاین من قریه هی اشد قوه من قرینک التی اخرجتک اهلکناهم فلا ناصر لهم

چه بسا شهرهایی که مردمش از مردم شهر تو که بیرون کرده‌اند از نظر نیرو سخت‌تر بودند نابودشان کردیم و ایشان را هیچ یاری دهنده‌ای نبود ...

سوره حج (۲۲) آیه ۴۵ نیز میفرماید:

چه بسا شهرها که آنها نابود کردیم در آن حال که مردمش ستمکار بودند پس آن شهر

برسقفهای خود فرو آمد. (۴)

صحبت از معنی و توجیه شهر بود. از معنای وجودی شهر چه برداشتی می‌توان نمود؟

کمی دقت و مراجعه به آیات مقدس قرآن بما می‌آموزد از المانها (۵) و عناصر شهری که در واقع همان عناصر بهشتی نیز می‌باشد می‌توان معنای شهر را درک نمود. برای روشن شدن موضوع مراجعه به تعدادی از آیات قرآن کریم ضروریست.

مثلاً: در سوره واقعه (۵۶) آیه ۲۶ تا ۳۲ می‌خوانیم:

... «و اصحاب دست راست چه (بلند مرتبه‌اند) اصحاب دست راست» (۲۷) در زیر

درخت سدرند که خارهای آن را کنده‌اند (۲۸)، و زیر درخت موزند که میوه‌های آن

بهم پیچیده است (۲۹)، و در زیر سایه کشیده‌اند (۳۰)، و در آبی ریزان (۳۱)، و در میان

میوه فراوان.

سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۸:

... آنانکه ایمان آوردند و کردارهای نیک کردند ایشان را در بهشت به منزلهای

۲ - Prof Ernst Ecli

۱ - Gardencity

۳ - قرآن مجید ترجمه و تفسیر حاج شیخ رضا سراج.

۴ - البته مطالب دیگری که به مبحث شهر میرسیم شهر را سمبل مباحث دیگری میبایم

که بعنوان «وجود ذاتی شهر» پیش نمی‌آید مانند شهر هفت لیل یا بلدا امین و غیره که هر کدام

از آن عناصر سمبل یک دستور خاص است: حصار اول سمبل نیکی ... سمبل پاکی ...

۵ - Elements

بلند جای دیم که از زیر آن جویهای آب روانست ...

سوره فرقان (۲۵) آیه ۱۰ :

«خیر فراوان از آن خدائی است که اگر بخواهد بهتر از آن برای تو قرار میدهد.
بوستانهاییست که جویهای آب از زیر (قصرها و درختان) آن روانست و برای تو
تاخهائی نهند ...»

سوره حج (۲۲) آیه ۲۳ :

«بیکمان خدا آنا را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند در بوستانهایی
در آرد که جویها از زیر (قصرها و درختان) آن میروند ...»

... و بدینگونه سرایهای زیبا ، قصور ، چشمهزارها ، جویهای روان ، باغها ، وسایه
زار و بوستانها که نموداری از بهشت میباشند همیشه مورد تسویق و توجیه بوده و بدینگونه نیز
خلفا و سرداران اسلامی در بنای شهرهای بزرگ سعی مینمودند نمودنای از بهشت را در برابر
خود داشته باشند و نقشههاییکه پیاده می نمایند از عناصر بهشتی متشکل باشد.

مهمترین عاملی که به چنین شهرهایی روحیه زنده تری می داد آب جاری بود که به
سورت بلوار (چهارباغ) ، جویبارها و آبشارها در شهرها و خیابانهای زیبای آنجا بحرکت
درمی آمد و در نقاط گرمسیر امپراطوری اسلامی چه از جهات شهرسازی و چه از دید روانشناسی
به خنکی و مبارزه با گرمای تابستان کمک بسزا مینمود و سرچشمه آنها نیز که یادآور سرچشمه
های سلسبیل در قرآن است بنحوی مشخص هویدا می گردید .

در چنین مجموعه ای بهشتی و زیبا که سراسر از سبزه ، گل ، درخت ، سایه ، جویبار و
آبشار و باغات صحبت میروند معماری در درجه ثانی قرار داشته و هیچگاه کوس رقابت با چنین
پارکهای عظیم و محوطه های سبز را نداشت .

نمونه ای چنین باغ شهرهای بی نظیری را در آن دوران می توان در شهر قدیم شیراز که
بدست سلطان عبود بنا شده و قرنهای نهم و دهم میلادی از معروفیت سرشاری برخوردار بود
ذکر نمود .

با مثالهای دیگری از این دوره بنای باغ شهرهای جالبی بود که بدست امیر تیمور
گورگانی بنا گردید و در رأس آنها شهر سمرقند قرار داشت . شهرهای دیگری چون بلخ ،
هرات ، بخارا ، مشهد ، زنجان و قندوز نیز از آن جمله اند متأسفانه بخاطر از بین رفتن تمامی
این شهرها ، مادیگر قادر به بازسازی آنها نیستیم اما از سفرنامههاییکه باقیست می توان به
عظمت و بزرگی آنها تا اندازه ای پی برد .

در مورد شهر سمرقند گزارشیکه شرف الدین وقایع نگار امیر تیمور نگاشته است حاکیست
که باغهای گرداگرد قصرش یک و نیم تا دو مایل (نزدیک به سه کیلومتر) وسعت داشته است.
در قسمت خاوری آن باغ دلگشا و در ناحیه جنوبی که قصر هم در آنجا قرار داشت باغ
بهشت جای داشته اند . تمامی قصر از مرمر تبریز و بر روی تراسی زیبا بپا گردیده بود که
دور آن را خندقی قرار گرفته و بوسیله دو پل به باغهای اطراف مرتبط میگرددیده است که
یکی از پلها به باغ وحش معروف شهر و دیگری به بلوار «چنار موج» ختم میگرددیده است.

باغ شهرها در دورهٔ رنسانس اسلامی:

هنگامی که چنین شهرهای عظیمی از زیبایی، ظرافت و طراوت در شرق به وجود خود می‌نازید شاید نگاهی به شهرهای اروپائی از نظر مقایسه بی‌فایده نباشد.

در اروپای قرون وسطی که از نظر جهالت و خرافات تلذیر آن کمتر در تاریخ یافت می‌شود (۱) مردم در کوچه‌های بسیار تنگ و منازل به زندگی پرداخته و جز محدودی درخت و سبزه که در بعضی از حیاط‌های آنجا یافت می‌شد اصولاً فضای سبز عمومی معنائی نداشت. میادین شهر در کلیسا و گورستان خلاصه شده و به خاطر محدود بودن شهر برج و باروهای دفاعی امکان گسترش وجود نداشت و با ازدیاد جمعیت مرتب بر تراکم ساختمانی افزوده شده و فضاهای باز شهری به زیر ساختمان رفته و آثارش محو می‌گردید.

در این دوره و درست در هنگامی که قرنهای بسیاری بود از شهرهای نو بنیاد اسلامی نیز صحبتی نبود همزمان دو شهر با غروری فراوان زاده شده و به عظمت و افتخار آفرین خود می‌نازیدند اصفهان در ایران و فاتح‌پور سیگری در هند (۲).

شاه عباس کبیر که پایه‌های باغ شهر اصفهان را در سال ۱۵۹۸ میلادی بنا نمود در این تفکر بود که زیباترین شهرها را به خود اختصاص دهد. رویه و روش او در شهرسازی با نقشه‌ای که بدون شك اغلب متخصصین شرق و غرب دخالت داشتند به جایی رسید که خود سیاحان اروپائی آن را برتر از قسطنطنیه (پایتخت روم شرقی) و رم پایتخت ایتالیا ذکر نموده‌اند.

پیترو دل‌واله سیاح مشهور ایتالیائی که هنگام پی‌ریزی شهر بدانجا وارد شده بود در نامه‌ای به روم نوشت این شهر بعد از اتمام کارهای ساختمانی از قسطنطنیه نیز برتر خواهد بود (۳) و در نامه‌ای در مورد یکی از آثار اصفهان صریحاً متذکر می‌گردد:

چهار باغ

با اجازه نمی‌خواهم اتلاف وقت نموده و فقط به عرض برسانم که فی‌الواقع چهار باغ مجموعه‌ای سلطنتی است که نه فقط بلوارهای معروف ناپل، روم و ژن را به پای آن نمیرسند بلکه تمامی آنها را از نظر زیبایی و جالب بودن به عقب می‌زند.

شاردن: سیاح مشهور فرانسوی قرن ۱۷ می‌نویسد که این زیباترین خیابانی بود که وی دیده یا وصف آن را شنیده بود (۴).

میدان

میدان نقش جهان که در این دوره پدیده‌ای تازه در شهر بنظر می‌رسد شاید تأثیرات معماری اروپا را در کارهای سردار بزرگ صفوی منعکس نماید اما بهر حال میدان که مرکز

۱ - میرانی صدرالدین، زندگی و تمدن در قرون وسطی.

۲ - FATEH PUR SILRI لازم به تذکر است که این دوره را «دوره مغولیان هند» می‌نامند که جزء تمدن اسلامی هندوستان به شمار می‌رود.

۳ - سفرنامه پیترو دل‌واله. ترجمه شماع‌الدین شفا.

۴ - دونالد ویلبر، باغهای ایران و کوشکهای آن، ترجمه مهین دخت صبا.

حکومت تفریحات عمومی و مراسم مذهبی شهر بوده از یکسو به چهارباغ و از سوی دیگر به باغات بی شماری ختم می گردید که بیش از سه چهارم سطح اصفهان جدید را در بر میگرفت. گرداگرد آن عمارات سلطنتی قرار داشتند. چهارباغ که از حوالی میدان به طول سه کیلومتر به طرف جنوب سرازیر می شد علاوه بر زیبایی خاصی که خود داشت سراسر از باغ های زیبایی محاصره می شد که باغ های هشت گوش - تاکستان - درویشان - توتستان و بلبلان از آن جمله بود. سرتاسر این بلوار زیبا را در وسط آب جاری در بر می گرفت که از شیب طبیعی استفاده نموده از زاینده رود گذشت به هزار جریب می رسید. در کنار مسیر آن قهوه خانه و استراحت گاه های متعددی بنا شده بود که پیاده و سوار رو از هر مسیر که می رفت فرصت می یافت و دقایقی را نشسته و ضمن صرف چای و قلیان دمی را به استراحت تجدید قوا بپردازد.

در طرفین خیابان دو ردیف چنار موج مسیر پیاده رو را از سواره رو مجزا می نمود و از ورای دیوارهای باغات مجاور، کوشک های بیشماری که برای تفریح و دید خانوادگی سلطنتی برپا شده بود به چشم می خورد که می توانستند آمد و رفت و جنجال روزانه مردم، ورود سفراء و یا گردش درباریان را که خیلی با شکوه انجام می گرفت در پشت پنجره های مشبک تماشا کنند. (۱)

در نقطه ای که چهارباغ به زاینده رود می رسد چندین اسکله در ساحل آن دیده میشد. در اطراف آن باغ وحش اصفهان که تعداد زیادی پیر و پلنگ، فیل، کرگدن و حیوانات متعدد وجود داشت دیده می شد و در اطراف دیگر مرغدانی سلطنتی واقع گردیده بود. هر کدام از باغها و باغچه های این محدوده با نباتات و درختان مختلف بنا شده و دیدار از هر نقطه آنجا برای بیننده تنوع و تضاد خاصی نسبت به باغ دیگری داشت هر کدام دنیائی از ذوق و هنر و قریحه به شمار می رفت.

پیر لوتی که قرن ها بعد بر سر خرابه های چهارباغ رفت در خاطراتش چنین نوشت این چهارباغ که اکنون چنین جلوی من است روزی دومین نمونه اش در دنیا وجود نداشت. چهارباغ آن روز اصفهان چون شانزه لیزه امروز پاریس بود.

ریچارد برمان: شهرساز بنام آلمانی در اوائل این قرن در مورد چهارباغ صراحتاً نوشت:

این پدیده و ایده در شهرسازی می تواند تحرك تازه ای به سیستم های خیابان بندی شهرهای امروزی ما داده (و مدلی برای غرب باشد).

در اواخر این قرن که بعد از شهرهای سنتی انگلستان و مردمش را به ستوه آورده بود شخصی با ذوق و متفکری بنام انیزم هوار که منشی پارلمان انگلیس بود به فکر احداث باغها شهرها انداخت. او می خواست شهرهای سنتی و منازل یکنواخت انگلیس را رنگ و روی تازه داد مردم سخت کوش و مشغول به صنعتگرائی را به نحوی از این مشکل رها نموده طبیعت را مجدداً به آنها ارزانی دارد. باغ شهرهای بسیاری مطابق ایده او بنا شد. شخص

۱ - از کلیه کاخها و کلاه فرنگی هایی که در کنار چهارباغ احداث گردیده بود فقط کاخ هشت بهشت باقی مانده است.

وی شهرتی جهانی یافت و تئوری‌های او تا به امروز در مدارس شهرسازی چون تری بی - مثال تدریس و بحث می‌گردد.

اکنون خوانندگان عزیز را یاد آور شوم ۲۵۰۰ سال قبل از آنکه شخصی چون هاوار باغ شهری بنا نهد ، اصفهان و قرن‌های بسیاری قبل از آن سمرقند و بخارا و شیراز می‌زیست و بر خود می‌بالید....

طبیعت‌گرائی و آوردن زیباییهای سبزرنگه را شهرهای اسلامی از دیرباز می - شناختند فقط شانس بود که کسانی چون هاوارد در جهان بعنوان سرآمد شهرسازی نام آور کردند و شهرسازان بهتر و متفکرتری چون تیمور و شاه عباس کبیر از این دریچه به فراموشی روند باشد که این مقاله یادآوری باشد از ایده ها و زحمات آنان در پیدایش نمونه‌های باغ شهری .

از دید دیگری نیز اگر بنگریم امروز این باغ شهرها شاید حیاتی‌ترین عناصر در مبارزه ما در زندگی دود زده و صنعتی شده شهرهای پرگرد و غبار ما باشد .

اگر يك هکتار فضای سبز که در شهر موجود باشد قادر است در ۲ ساعت در ازاء جذب ۹۰۰ کیلوگرم واکسیدو کربن مسموم در فضای شهر را ۶۰۰ کیلوگرم اکسیژن پس دهد . تنها راه مبارزه با هوای مسموم شهرها ، خنکی شهرها ، جذب گرد و خاک پخش شده در هوا و تنها برخوردار شهریان را با طبیعت فقط در فضای سبز می‌توان خلاصه نمود که باغ شهرهای شرقی آن را از قبل دانسته و برپا نموده بودند . باشد درسی برای ما شهرسازان امروزی نیز....

عناصر معماری باغ شهرها

مزیت غیر قابل انکار دیگری که شهرهای اسلامی عموماً « باغ شهرها » بویژه ، از جمله اصفهان صفوی نسبت به شهرهای اروپائی همزمان خود داشتند تمدد بناهای شهری آنها بود .

در اصفهان علاوه بر آن ، پلهای زیبا (از جمله پل خواجو و اهوردینخان) کوشکهای سلطنتی ، باغهای متعدد که از آن صحبت رفت قابل ذکر است .

پلهای صفوی که آوازه نام آنها تاکنون فرو ننشسته است علاوه بر عملکرد خاص خود که ارتباط دوطرف زاینده رود بود و شجاعت خاص مهندسی آور آن بکار رفته است نه فقط با معماری زیبای خود اصفهان زیبا را زیباتر می‌نمود بلکه از آنها نیز بعنوان شاه نشین و استادپوم برای تماشای مسابقات روی آب استفاده می‌گردید و بجز چند مثال محدود و حقیر تر که از جمله پل رود آرنو در فلورانس ایتالیا است جهان معماری بچنین نمونه‌ای دست نیافت است . تا آنجا که ریشارد برمن در اوائل این قرن در کتاب شهرسازی خود نگاشت : « عملکرد عملی و تجملی و یکپارچگی معماری این بناها که نمونه آن در تاریخ پل سازی پیش نیامده است برای علوم مهندسی امروز ما نیز کاری قابل توجه است که باید با احترام بررسی شود ... » با این آرزو امیدوارم در شماره‌های آینده از هر کدام از این مباحث به صورت جداگانه بحث کنم.....